

Analysis of geopolitical factors affecting Saudi Arabia's foreign policy towards Russia during the era of Mohammed bin Salman

Ali Jamshidpour¹, Alireza Rezaei², Ghasem Torabi³

1. Department of International Relations, Ha.C., Islamic Azad University, Hamedan, Iran.

Email: ali.jamshidpour6501@iau.ac.ir

2. Department of International Relations, Ha.C., Islamic Azad University, Hamedan, Iran.

Email: Rezaei1439@gmail.com

3. Department of International Relations, Ha.C., Islamic Azad University, Hamedan, Iran

Email: ghasemtorabi@iau.ac.ir

ARTICLE INFO

Article type:

Research Paper

Article history:

Received: June 1, 2025

Revised: July 24, 2025

Accepted: October 25, 2025

Published: June 2, 2025

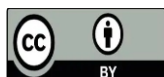
Keywords:

Saudi Arabia's foreign policy, Russia, Mohammed bin Salman, regional order, OPEC+, multilateralism, geopolitics

Abstract

Saudi Arabia's foreign policy towards Russia has undergone significant changes during the reign of Mohammed bin Salman. After Mohammed bin Salman came to power, Saudi Arabia has attempted to revise its traditional approach to foreign relations and move towards diversifying its strategic partners. In this regard, Riyadh's interactions with Moscow have gone beyond economic and energy cooperation and have acquired more political and security dimensions. The main question of this article is: What are the factors influencing Saudi Arabia's foreign policy towards Russia during the reign of Mohammed bin Salman? In this regard, the research hypothesis proposes that: The formation of a new regional order in the Middle East and the need to reduce strategic dependence on the United States have been the most important factors in Saudi Arabia's new orientation towards strengthening relations with Russia. According to the findings of the article, several factors have influenced Saudi Arabia's foreign policy towards Russia during the bin Salman era, the most important of which are: developments in the energy market and oil prices, security and military considerations, and geopolitical calculations, the tendency towards independent acting and multilateralism. A case study of economic policies and oil diplomacy shows that cooperation with Russia, in addition to economic benefits, has been carried out in order to increase Saudi Arabia's political weight at the regional and international levels. Overall, the results of the study indicate that interaction with Russia is not simply a temporary tool for Saudi Arabia, but rather a strategic link that monitors the developments in the new regional order.

How to cite: Rezaei, A.I. (2026). Analysis of geopolitical factors affecting Saudi Arabia's foreign policy towards Russia during the era of Mohammed bin Salman. *Geography and Regional Planning*, 15(61), 680-695. <https://doi.org/10.22034/jgeoq.2025.564065.4381>



© Author(s) retain the copyright and full publishing rights

DOI: <https://doi.org/10.22034/jgeoq.2025.564065.4381>

Publisher: Qeshm Institute of Higher Education

Introduction

The foreign policy of each country reflects its goals, interests, opportunities, and threats in the regional and international arena. Saudi Arabia, as one of the most important players in the Arab world and the Middle East, has always played a strategic role in shaping the political, security, and even economic equations of the region.

Methodology

The main question of this article is: What are the factors influencing Saudi Arabia's foreign policy towards Russia during the era of Mohammed bin Salman?

Results and Discussion

Saudi Arabia's foreign policy towards Russia during the reign of Mohammed bin Salman was based on multidimensional interactions and balancing between global powers. During this period, Saudi Arabia attempted to shift its relations with Russia from traditional confrontation to strategic cooperation in the economic, political, and security spheres.

Ethical considerations

Following the principles of research ethics

The authors have observed the principles of ethics in conducting and publishing this scientific research, and this is confirmed by all of them.

Data Availability Statement

Data available on request from the authors.

Acknowledgements

First author: Preparation of samples, conducting experiments and collecting data, performing calculations, statistical analysis of data, analysis and interpretation of information and results, preparing a draft of the article.

Second author: Preparation of samples, conducting experiments and collecting

This shift in approach can be analyzed in the context of the need to adapt to the emerging global order and reduce dependence on Western powers such as the United States.

Conclusion

One of the most important areas of Saudi Arabia's engagement with Russia has been energy cooperation. Mohammed bin Salman played a major role in the OPEC+ agreements, in which Russia, as the largest non-member producer, played a key role. This cooperation helped regulate oil production, stabilize prices on the global market, and mitigate the effects of economic upheavals, such as the Covid-19 crisis. From Saudi Arabia's perspective, these agreements were not only a means to protect economic interests, but also a platform for strengthening political relations with Moscow. Russia also exploited this interaction to increase its influence in the region and counter the isolation caused by Western sanctions.

data, performing calculations, statistical analysis of data, analysis and interpretation of information and results, preparing a draft of the article

Ethical Considerations

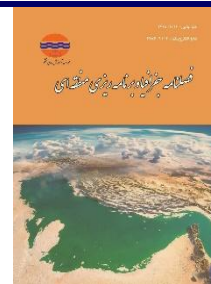
The authors affirm that they have adhered to ethical research practices, avoiding plagiarism, misconduct, data fabrication or falsification, and have provided their consent for this article's publication.

Funding

This research was conducted without any financial support from Payam Noor University.

Conflict of Interest

The authors declare no conflict of interest



تحلیل مولفه های ژئوپلیتیک تاثیر گذار بر سیاست خارجی عربستان سعودی در قبال

روسیه در دوران محمد بن سلمان

علی جمشیدپور^۱، علیرضا رضایی^۲✉، قاسم ترابی^۳

^۱ گروه روابط بین الملل، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران. رایانامه: ali.jamshidpour6501@iau.ac.ir

^۲ گروه روابط بین الملل، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران. رایانامه: Rezaei1439@gmail.com

^۳ گروه روابط بین الملل، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران. رایانامه: ghasemtorabi@iau.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

سیاست خارجی عربستان سعودی در قبال روسیه طی دوران محمد بن سلمان، با تحولات چشمگیری همراه بوده است. پس از به قدرت رسیدن محمد بن سلمان، عربستان سعودی تلاش نموده است رویکرد سنتی خود را در روابط خارجی بازنگری کرده و به سمت متنوع‌سازی شرکای راهبردی خود حرکت کند. در این راستا، تعاملات ریاض با مسکو از سطح همکاری‌های اقتصادی و انرژی فراتر رفته و ابعاد سیاسی و امنیتی بیشتری یافته است. سؤال اصلی این مقاله آن است که: مؤلفه‌های تأثیرگذار بر سیاست خارجی عربستان سعودی نسبت به روسیه در دوران محمد بن سلمان کدام‌اند؟ در این راستا، فرضیه تحقیق مطرح می‌کند که: شکل‌گیری نظم منطقه‌ای جدید در خاورمیانه و ضرورت کاهش وابستگی راهبردی به آمریکا، مهم‌ترین عوامل در جهت‌گیری جدید عربستان سعودی به سوی تقویت روابط با روسیه بوده‌اند. بر اساس یافته‌های مقاله، عوامل متعددی در سیاست خارجی عربستان سعودی در قبال روسیه در دوران بن سلمان تأثیرگذار بوده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: تحولات بازار انرژی و قیمت نفت، ملاحظات امنیتی و نظامی و محاسبات ژئوپلیتیک، گرایش به بازیگری مستقل و چندجانبه‌گرایی. مطالعه موردی سیاست‌های اقتصادی و دیپلماسی نفتی نشان می‌دهد که همکاری با روسیه علاوه بر منافع اقتصادی، در راستای افزایش وزن سیاسی عربستان در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی صورت گرفته است. در مجموع، نتایج پژوهش بیانگر آن است که تعامل با روسیه برای عربستان صرفاً ابزاری مقطعی نیست، بلکه پیوندی استراتژیک و ناظر بر تحولات نظم نوین منطقه‌ای تلقی می‌شود.

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۳/۱۱

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۵/۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۸/۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۳/۱۲

کلیدواژه‌ها:

سیاست خارجی عربستان سعودی، روسیه، محمد بن سلمان، نظم منطقه‌ای، اوپک پلاس، چندجانبه‌گرایی، ژئوپلیتیک

استناد: جمشیدپور، علی و رضایی، علیرضا (۱۴۰۴). تحلیل مولفه های ژئوپلیتیک تاثیر گذار بر سیاست خارجی عربستان سعودی در قبال روسیه در

دوران محمد بن سلمان. *جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، ۱۵(۶۱)، ۶۸۰-۶۹۵. DOI: 10.22034/jgeoq.2025.564065.4381



مقدمه

سیاست خارجی هر کشور بازتاب‌دهنده اهداف، منافع، فرصت‌ها و تهدیدهای آن در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی است. عربستان سعودی به عنوان یکی از مهم‌ترین بازیگران جهان عرب و خاورمیانه، همواره نقش راهبردی در شکل‌دهی معادلات سیاسی، امنیتی و حتی اقتصادی منطقه داشته است. با آغاز زمامداری محمد بن سلمان، ولیعهد جوان سعودی، سیاست خارجی این کشور شاهد تحولات بنیادین و نگرش‌های متفاوتی نسبت به دوره‌های پیشین شده است. محمد بن سلمان با تکیه بر برنامه جاه‌طلبانه «چشم‌انداز ۲۰۳۰»، افق‌های نوینی را برای توسعه، تنوع اقتصادی و منزلت منطقه‌ای کشورش ترسیم کرده و در این مسیر، آسیب‌شناسی و بازتعریف روابط خارجی را در دستور کار قرار داده است.

تا پیش از این، روابط عربستان سعودی و روسیه عمدتاً به رقابت در بازار انرژی و عدم همگرایی سیاسی در بسیاری از بحران‌های منطقه‌ای محدود می‌شد. اما از نیمه دوم دهه ۲۰۱۰ میلادی، به دنبال تغییرات ژئوپلیتیکی شتابان و همچنین تعدیل نقش آمریکا در منطقه، شاهد نزدیک‌تر شدن سیاست‌های ریاض و مسکو هستیم. محمد بن سلمان این تغییر رویکرد را با هدف کاهش آسیب‌پذیری ناشی از «وابستگی راهبردی به غرب»، به ویژه ایالات متحده آمریکا، آغاز نمود. وی تعاملات دیپلماتیک، سیاسی و اقتصادی با بازیگرانی چون روسیه و چین را افزایش داده است تا بدین وسیله جایگاه بین‌المللی کشورش را ارتقا بخشد و از ظرفیت‌های همکاری با قدرت‌های غیرغربی نیز بهره‌مند شود.

اهمیت روسیه در معادلات سیاست خارجی عربستان سعودی پس از بحران سوریه، تشدید یافته است؛ جایی که ائتلاف راهبردی طرفین بر سر آینده نظام سیاسی سوریه برای هر دو کشور مجال دیپلماسی و معامله‌های سیاسی را فراهم آورد. به تدریج ریاض دریافت که تعاملات همه‌جانبه، به ویژه در زمینه نفت (از طریق ائتلاف اوپک پلاس)، می‌تواند منافع متقابلی را برای طرفین ایجاد کند. در نتیجه، هماهنگی‌های نفتی، توافقات اقتصادی و حتی مذاکرات در حوزه صنایع دفاعی - تسلیحاتی میان عربستان و روسیه افزایش یافت. شرایط متغیر بازار انرژی، کاهش نقش سنتی آمریکا و نیاز عربستان به متنوع‌سازی شرکای استراتژیک، این رویدادها را تسریع کرد.

علاوه بر متغیرهای اقتصادی و امنیتی، متغیرهای سیاسی و ژئوپلیتیک نیز بر شکل‌گیری این سیاست خارجی موثر بوده‌اند. عربستان سعودی بعد از سال‌ها حضور و نفوذ یک‌جانبه غرب در معادلات خاورمیانه، در پی اتخاذ رویکردی مستقل‌تر و مبتنی بر چندجانبه‌گرایی است. محمد بن سلمان در سیاست خارجی خود بر استقلال عمل و مدیریت فعالانه تحولات منطقه‌ای تأکید می‌ورزد و تعامل با روسیه را بخشی از مجموعه اقدامات به‌منظور کاهش وزن آمریکا و افزایش مانور ریاض در عرصه بین‌المللی تلقی می‌کند. همکاری مشترک در زمینه حل منازعات منطقه‌ای، مبارزه با تروریسم و پرونده‌های چون یمن و لیبی نیز نمونه‌هایی از این نگرش جدید به شمار می‌رود.

در پژوهش حاضر با طرح این سؤال اصلی که «مؤلفه‌های تاثیرگذار بر سیاست خارجی عربستان سعودی نسبت به روسیه در دوران محمد بن سلمان کدام‌اند؟»، تلاش شده است با رویکرد تحلیلی به تبیین و واکاوی عوامل مؤثر بر نزدیکی روابط ریاض و مسکو پرداخته شود. بر اساس فرضیه پژوهش، شکل‌گیری نظم منطقه‌ای جدید و ضرورت کاهش وابستگی راهبردی به آمریکا، نقش محوری در جهت‌گیری سیاست خارجی عربستان در قبال روسیه ایفا می‌کنند. برای آزمون این فرضیه، ضمن مرور ادبیات موضوع و بررسی داده‌های تجربی، سعی شده ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و امنیتی این تعاملات جدید تحلیل و تشریح شوند. اهمیت بررسی این موضوع از آنجا ناشی می‌شود که سیاست خارجی عربستان تحت رهبری محمد بن سلمان وارد مرحله‌ای جدید شده که نه تنها بر روابط دو جانبه ریاض - مسکو، بلکه بر نظم سیاسی و توازن قدرت در کل خاورمیانه و حتی بازار جهانی انرژی تاثیرگذار است. شناخت مؤلفه‌های تاثیرگذار بر این رویکرد جدید می‌تواند برای پژوهشگران، سیاست‌گذاران و تحلیل‌گران حوزه روابط بین‌الملل و مطالعات خاورمیانه رهگشا باشد و زوایای تازه‌ای از تعاملات قدرت‌های منطقه‌ای با بازیگران جهانی را آشکار سازد.

چارچوب نظری

واقع‌گرایی نوکلاسیک عنوانی است که صاحب نظرانی چون گیدئون رز به مجموعه‌ای از آثار در روابط بین‌الملل داده‌اند که در تبیین سیاست خارجی و فراتر از آن، در توضیح روابط بین‌الملل، از بسیاری از بینش‌های واقع‌گرایی استفاده می‌کنند (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۱۲۹). واقع‌گرایی نوکلاسیک تلفیقی از واقع‌گرایی کلاسیک و نواقع‌گرایی است. واقع‌گرایی نوکلاسیک نظریه سیاست خارجی است، لذا با تمرکز بر روی واحد دولت‌ها، در پی بیان آن است که چرا دولت‌ها در موقعیت‌های خاص سیاست‌های خارجی متفاوتی را اتخاذ می‌کنند.

واقع‌گرایی نوکلاسیک ضمن تأکید بر محوریت قدرت، معتقد است گزینه‌های سیاست خارجی توسط نخبگان و رهبران سیاسی واقعی خلق شده و دقیقاً به همین دلیل، برداشت آن‌ها از قدرت نسبی اهمیت فراوانی دارد و لذا، منابع فیزیکی و کمی قدرت به تنهایی دخیل نیستند. همچنین، رهبران و نخبگان همیشه از آزادی کامل برای استخراج و هدایت منابع مادی ملی، دقیقاً به همان طریقی که مایل هستند برخوردار نیستند (تابع افشار و برزگر، ۱۳۹۶: ۴۷). در واقع، برخلاف نظریه رئالیسم ساختاری و رئالیسم کلاسیک، رئالیسم نوکلاسیک همزمان بر هر دو عامل ساختار و اشخاص توجه دارد.

واقع‌گرایان نوکلاسیک برای توصیف سیاست خارجی به ادغام عوامل سیستمیک و داخلی پرداخته و در نتیجه، نظریه منسجم و سازگارتری از سیاست خارجی ارائه می‌دهند. ممکن است کشورها با طیف وسیعی از گزینه‌های سیاست خارجی مواجه شوند که توسط عوامل سیستمیک تعیین می‌شود، اما گزینه‌هایی که به ویژه رهبران و نخبگان انتخاب می‌کنند، ممکن است محصول عوامل داخلی یا متغیرهای مداخله‌گر باشد. بنابراین، دو کشور ممکن است با چالش سیستمیک یکسان مواجه باشند، اما با توجه به ویژگی‌های داخلی متفاوت خود و تحت تأثیر بینش رهبران، سیاست بسیار متفاوتی اتخاذ کنند. بر همین اساس اهمیت واقع‌گرایی نوکلاسیک به دلیل تأکید آن بر سطوح مختلف تحلیل و اجتناب آن از تقلیل‌گرایی است که واقع‌گرایی کلاسیک و نواقع‌گرایی از آن رنج می‌برند. واقع‌گرایی، کلاسیک، سطح تحلیل را دولت و نو واقع‌گرایی نیز سطح تحلیل را نظام بین‌الملل قرار می‌دهد، اما واقع‌گرایی نوکلاسیک سطح تحلیل داخلی و سیستمیک را در نظر می‌گیرد (Rose, 1998: 146-47).

قدرت برای واقع‌گرایان نوکلاسیک به معنای توانمندی‌های نسبی مادی دولت است، با این تفاوت که در اینجا عواملی مثل برداشت ذهنی رهبران، ساختار دولت، ایدئولوژی و ملی‌گرایی بر آن اثر می‌گذارند. ولفورث می‌نویسد اینکه قدرت چیست، کاملاً به تفسیر ما از توزیع توانمندی‌ها بستگی دارد و از آنجایی که همواره امکان ارائه تفاسیر مختلف وجود دارد، رهبران دولت‌ها تلاش می‌کنند تا به شکل فرصت‌طلبانه صرفاً برخی تغییرات قدرت دولت‌های رقیب را تفسیر کنند (Wohlforth, 1993: 303). در نتیجه توانمندی‌های ملی به شکل مستقیم به رفتار دولت ترجمه نمی‌شوند و میان قدرت دولت و قدرت ملی تفاوت وجود دارد. «قدرت دولت بخشی از قدرت ملی را تشکیل می‌دهد که حکومت می‌تواند از آن برای رسیدن به اهداف خود استفاده کند و نشان می‌دهد که تصمیم‌گیرندگان تا چه حد می‌توانند با سهولت به اهداف خود نائل شوند» (مشیرزاده، ۱۳۸۵: ۱۳۱). آنچه اهمیت دارد توانایی بسیج و استخراج منابع است. اینکه یک دولت تا چه میزان می‌تواند منابع را در راستای اهداف سیاست خارجی‌اش به کار بندد.

سیاست خارجی عربستان سعودی در دوره محمد بن سلمان

۲۳ ژانویه سال ۲۰۱۵ را باید نقطه عطف جدیدی در تاریخ مدرن عربستان سعودی نامگذاری کرد زیرا ساختار قدرت در عربستان سعودی از زمان آغاز سلطنت ملک بن عبدالعزیز همواره مبتنی بر انتقال قدرت میان برادران بود، اما پادشاه کنونی سعودی با تغییر رویکرد سنتی در انتقال قدرت، زمینه را برای حذف ولیعهد خود یعنی محمد بن نایف فراهم نمود تا پسر خود یعنی محمد بن سلمان ضمن تصاحب ولیعهدی رقبای قدرتمند خود را که به شکل سنتی در لایه‌های مهم قدرت حضور داشتند، یکی پس از دیگری حذف کند. بن سلمان برای رسیدن به اهداف خود در سیاست خارجی حتی وزیر خارجه قدرتمند سعودی را برکنار و عادل الجبیر از نیروهای نزدیک خود را جایگزین ایشان کرد. الجبیر تنها وزیر خارجه در تاریخ آل سعود است که از خاندان آل سعود نیست (Feierstein, 2017: 9). محمد بن سلمان با کنار گذاشتن و به حاشیه راندن رقبای قدرتمند خود در سیاست داخلی شرایط را مهیا کرد تا رویکرد جدیدی را در سیاست خارجی سعودی نیز دنبال کند. در حال حاضر سیاست خارجی، مواضع دفاعی

و تغییرات اجتماعی به طور کامل در اختیار محمد بن سلمان است (Tisdall, 2017). بن سلمان پس از تثبیت قدرت خود در داخل کشور و چینش نیروهای مورد اعتماد خود در لایه‌های مهم قدرت داخلی، تغییرات گسترده‌ای را نیز در سیاست خارجی و نوع تعامل کشورش با کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در دستور کار خود قرار داد. محمد بن سلمان همچنین در حوزه اقتصاد با کنترل کامل صنعت نفت عربستان سعودی، قدرت اول کشور را در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی بر عهده دارد، به طوری که همه دنیا او را به عنوان پادشاه و قدرت اصلی عربستان می‌شناسد (Akif Koç, 2019: 168).

بن سلمان با حضور جدی در مناقشه‌های منطقه‌ای نشان داده است با رویکرد رئالیسم تدافعی که تا پیش از به قدرت رسیدنش همواره رویکرد اصلی سیاست خارجی سعودی بود، میانه‌ای ندارد و با تغییر رویه به رئالیسم تهاجمی آل سعود را وارد دوران جدیدی از حیات سیاسی خود کرده است. گاهی دولت‌ها با رفتار تهاجمی برای کسب قدرت با هم رقابت می‌کنند و افزایش قدرت را بهترین وسیله برای تضمین بقا در ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل می‌دانند و گاهی نیز همین خصلت آنارشیک نظام بین‌الملل موجب می‌شود تا آنها در عرصه سیاست خارجی رفتار تدافعی در پیش گرفته و انگیزه چندانی برای افزایش بیش از حد قدرت خود نداشته باشند (اخوان کاظمی و عزیز، ۱۳۹۰: ۲۵۰). کنش‌های چند سال اخیر بن سلمان نشان می‌دهد که رویکرد اول را دنبال می‌کند. البته هنوز نشانه‌هایی از وفاداری آنها به اصول رئالیسم دفاعی که آن را برای دهه‌ها دنبال می‌کردند، وجود دارد. با وجود گرایش رو به رشد به سمت یکجانبه‌گرایی، پادشاهی سعودی تلاش کرده است تا با اجماع با بعضی از کشورهای صاحب نفوذ مانند ایالات متحده آمریکا، امارات متحده عربی و اخیراً اسرائیل، تهدیدهای موجود در منطقه مانند یمن و ایران را خنثی نماید (Marcus, 2018). حضور جدی عربستان سعودی در منازعات منطقه‌ای از بحران سوریه گرفته تا دخالت نظامی در یمن و از تنش با ایران گرفته تا تلاش برای عادی‌سازی روابط با رژیم اسرائیل می‌تواند در چارچوب این تغییر رویکرد قابل فهم باشد.

به طور کلی سیاست خارجی محمد بن سلمان بر روی پنج محور اساسی بنا گذاشته شده است:

۱. افزایش وابستگی به ایالات متحده در سیاست‌های امنیتی و منطقه‌ای
۲. تعاملات نزدیک با امارات متحده عربی و مصر
۳. نزدیکی بیشتر با اسرائیل و عادی‌سازی روابط با آنها و رها کردن فلسطینی‌ها
۴. دوری از ایران و متحدان منطقه‌ای آن به خصوص متحدان حوزه خلیج فارس
۵. تقویت مکتب سلفی و مبارزه با مخالفان آن.

روابط روسیه با عربستان سعودی در دوران بن سلمان

سیاست مسکو همانند در خاورمیانه تکیه بر روابط خوب با مجموعه کشورهای منطقه است. پوتین برنامه ملاقات‌های متعددی را از کشورهای خاورمیانه ترتیب داده است که شامل اسرائیل، عربستان سعودی، امارات، اردن، قطر، ترکیه و ایران می‌باشد. البته به جز در سوریه، سیاست مسکو تعهد و اشتغال حداقلی در مسائل خاورمیانه است. روسیه تأکید مستمر بر اصل حاکمیت دولتی و جلوگیری از مداخله بیگانه در امور داخلی کشورهای خاورمیانه و عدم گسترش شورش‌ها و قیام‌های داخلی در این کشورها دارد. مسکو از احتمال تأثیرگذاری بهار عربی بر مسلمانان و ایالات مسلمان روسیه مطلع است و لذا تشدید این خیزش‌های مردمی را چندان مناسب سیاست‌های خود نمی‌داند (Sladden, 2017: 10).

روسیه برخلاف آمریکا خود را به عنوان یک شریک قابل تکیه در منطقه معرفی نمی‌کند و چندان هم مسائل حقوق بشر و یا آزادی‌های اجتماعی را مبنای تعاملات خود با کشورهای منطقه قرار نمی‌دهد. متغیر اصلی روسیه سطح روابط تجاری است. روسیه و خاورمیانه، ۶۰ درصد ذخایر کشف شده نفت و گاز جهان را دارا می‌باشند (Popescu, 2018: 30). روسیه روابط خوبی را با عربستان در سطح اوپک به علاوه یک دارد. در خصوص راه‌اندازی نیروگاه‌های هسته‌ای علاوه بر ایران، مسکو وارد مذاکره با طرف‌های اردنی، مصر و اخیراً عربستان سعودی شده است. عربستان طرح راه‌اندازی ۱۶ راکتور هسته‌ای را تا سال ۲۰۳۲، اعلام داشته است.

یکی از موارد چالشی سیاست مسکو در خاورمیانه، روابط نزدیک روسیه با اسرائیل و تنش و دشمنی میان تهران و تل‌آویو است که به نظر می‌رسد مسکو سیاست حفظ روابط با اسرائیل را در اولویت دارد (Wormith, 2019: 3).

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، مسکو سیاست حمایت از فلسطینی‌ها را در قبال اسرائیل کنار گذاشته است، هرچند که روابط خود را با دولت خودمختار فلسطین حفظ کرده است.

در شرایطی که آمریکا برای فروش تسلیحات به کشورهای عربی خاورمیانه به علت سیاست عدم افزایش قدرت نظامی اعراب نسبت به اسرائیل، سیاست محدود کننده‌ای دارد. این کشورها به سمت روسیه برای خرید تسلیحات گرایش پیدا می‌کنند و روسیه نیز از این فرصت صرفاً نهایت استفاده را در راستای فروش تسلیحات می‌کند (Ibid: 4). بنا به گزارش شبکه العربیه، عربستان سعودی یادداشت تفاهمی با روسیه برای خرید موشک‌های دفاع هوایی اس. ۴۰۰ امضاء کرده است (Al Arabiya. 6 Octobre 2017; Hardy. 2017). در سفر سلمان بن عبدالعزیز، پادشاه عربستان در اکتبر ۲۰۱۷ به روسیه مذاکرات خرید سیستم دفاعی مذکور صورت گرفت (Bensaid, 2019) ارزش این معامله برابر ۳ میلیارد دلار آمریکا برآورد شده است (Carroll, 2017).

روابط روسیه و عربستان سعودی در دوران محمد بن سلمان را می‌توان در چارچوب نظریه واقع‌گرایی نوکلاسیک تحلیل کرد، چرا که این نظریه تعامل عوامل بین‌المللی، داخلی و فردی را در شکل‌دهی به سیاست خارجی بررسی می‌کند. در این دوران، روابط میان دو کشور از سطح رقابت به همکاری استراتژیک در حوزه‌های اقتصادی، انرژی و نظامی گسترش یافته است. کاهش هژمونی آمریکا و حرکت به سوی نظام جهانی چندقطبی، عربستان را به تغییر جهت در سیاست خارجی و تقویت روابط با قدرت‌های نوظهور، از جمله روسیه، سوق داده است. روسیه، با جایگاه مهمش در مسائل بین‌المللی و منطقه‌ای، به شریکی استراتژیک در تلاش عربستان برای حفظ ثبات در بازار جهانی انرژی و تقویت نفوذ منطقه‌ای تبدیل شده است.

پویایی ساختار بین‌المللی نقشی اساسی در تقویت این روابط دارد. کاهش نفوذ ایالات متحده در خاورمیانه و ظهور قدرت‌هایی نظیر روسیه باعث شده است عربستان سیاست تنوع‌بخشی به شرکای بین‌المللی خود را دنبال کند. روابط نزدیک عربستان و روسیه در قالب اوپک پلاس، که با هدف تنظیم تولید نفت و تثبیت قیمت‌ها صورت گرفت، نمونه‌ای بارز از این همکاری است. این اتحاد نه تنها به متوازن کردن بازار نفت کمک کرده، بلکه به هر دو کشور امکان داده است تا فشارهای اقتصادی ناشی از نوسانات قیمت نفت را کنترل کنند. در اینجا، عربستان از ظرفیت‌های روسیه برای اجرای چشم‌انداز انرژی و اهداف اقتصادی خود بهره‌برداری کرده است.

تحولات داخلی عربستان نیز تأثیر مستقیم بر گسترش روابط با روسیه داشته است. اجرای اصلاحات ساختاری مانند چشم‌انداز ۲۰۳۰، که بر تنوع‌بخشی به اقتصاد عربستان و کاهش وابستگی به نفت تمرکز دارد، ارتباطات اقتصادی با بازیگران کلیدی مانند روسیه را ضروری کرده است. همچنین، تلاش عربستان برای ارائه تصویری مدرن‌تر و مترقی‌تر در سطح بین‌المللی، به تقویت همکاری‌های دوجانبه در حوزه‌هایی مانند فناوری، صنایع نظامی و پروژه‌های زیرساختی کمک کرده است.

نقش شخصیت محمد بن سلمان نیز در گسترش روابط با روسیه غیر قابل انکار است. وی با اتخاذ سیاست‌های جسورانه و عمل‌گرایانه، روابطی متوازن بین قدرت‌های جهانی ایجاد کرده است. این رویکرد باعث شده تا عربستان به توسعه همکاری‌های استراتژیک با روسیه در حوزه‌های سیاسی و نظامی بپردازد، در حالی که همچنان روابط خود را با غرب حفظ کرده است. برای مثال، قراردادهای تسلیحاتی با روسیه و گسترش همکاری‌های امنیتی نشان‌دهنده حرکت عربستان به سوی کاهش وابستگی صرف به آمریکا است. این امر به عربستان فرصت داده تا موقعیتی مستقل‌تر و انعطاف‌پذیرتر در نظام بین‌المللی کسب کند.

سیاست خارجی عربستان در قبال روسیه در دوران بن سلمان

سیاست خارجی عربستان سعودی نسبت به روسیه در دوران محمد بن سلمان تحول چشمگیری داشته و بر اساس تغییرات در نظم جهانی، نیازهای داخلی عربستان، و هدف ایجاد نقش مستقل‌تر در منطقه تنظیم شده است. این سیاست را می‌توان با تمرکز بر همکاری‌های اقتصادی، امنیتی، و دیپلماتیک تحلیل کرد. تحول سیاست خارجی عربستان نسبت به روسیه به‌عنوان بخشی از تلاش کلی این کشور برای تنوع‌بخشی به شرکای بین‌المللی و تأمین اهداف بلندمدت اقتصادی و سیاسی قابل بررسی است. در سطح بین‌المللی، کاهش هژمونی ایالات متحده و ظهور یک نظام چندقطبی باعث تغییر جهت‌گیری عربستان در سیاست خارجی شده است. روسیه به‌عنوان یکی از قدرت‌های برجسته جهانی با نفوذ فراگیر در مسائل منطقه‌ای و جهانی، به‌ویژه در

خاورمیانه، تبدیل به یکی از شرکای کلیدی عربستان سعودی شده است. این تغییر بیانگر تلاش محمد بن سلمان برای تقویت موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی عربستان از طریق روابط نزدیک‌تر با روسیه است. روسیه، به‌عنوان یک نیروی تأثیرگذار در بازار جهانی انرژی و در مسائل امنیتی خاورمیانه، از اهمیت ویژه‌ای در سیاست خارجی عربستان برخوردار شده است. یکی از برجسته‌ترین عرصه‌های همکاری بین عربستان و روسیه، حوزه انرژی است. ایجاد اوپک پلاس، که ابتکاری مشترک برای تنظیم تولید نفت و کنترل قیمت‌های جهانی محسوب می‌شود، زمینه‌ساز روابط مستحکم‌تر میان دو کشور شد. این همکاری‌ها در مدیریت چالش‌های بازار نفت برای هر دو کشور نقش کلیدی ایفا کرده و به عربستان امکان داده است همچنان جایگاه خود را به‌عنوان یکی از بازیگران اصلی بازار جهانی انرژی حفظ کند. از سوی دیگر، روسیه نیز توانسته از این روابط برای تثبیت جایگاه خود در بازار جهانی انرژی استفاده کند. این همکاری‌ها نمونه برجسته‌ای از رویکرد عمل‌گرایانه محمد بن سلمان در سیاست خارجی عربستان است، زیرا نشان‌دهنده استفاده از روابط استراتژیک برای دستیابی به اهداف داخلی و بین‌المللی است. در کنار همکاری‌های اقتصادی، عربستان سعودی تحت رهبری محمد بن سلمان جایگاه روسیه را در سیاست خود نسبت به مسائل امنیتی و ژئوپلیتیکی منطقه‌ای نیز به رسمیت شناخته است. حضور فعال روسیه در بحران‌های منطقه‌ای، به‌ویژه سوریه، و نفوذ این کشور در شرق مدیترانه، باعث شده تا عربستان به‌جای تقابل، رویکرد تعامل‌محور در برابر روسیه اتخاذ کند. در همین حال، حضور ایران و اقدامات این کشور در منطقه، به‌ویژه در یمن و سوریه، زمینه همکاری‌های مشترک میان عربستان و روسیه ایجاد کرده است. هر دو کشور در برخی موارد در مسائل امنیتی، نظیر مبارزه با افراط‌گرایی و مدیریت بحران‌های منطقه، اهداف مشترکی داشته‌اند.

محمد بن سلمان همچنین تلاش کرده تا روابط عربستان و روسیه را از محدوده همکاری‌های اقتصادی و امنیتی به حوزه دیپلماسی عمومی گسترش دهد. سفرها و دیدارهای دوجانبه میان رهبران دو کشور و توافقات متعدد نشان‌دهنده تمایل عربستان برای تثبیت روابط مستحکم‌تر با روسیه بوده است. توافقمنامه‌های مختلف در زمینه همکاری‌های فناوری، زیرساخت، و صنایع نظامی بیانگر گسترش ابعاد روابط بین دو کشور است. این اقدامات بخشی از برنامه چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان است، که هدف آن تنوع‌بخشی به اقتصاد و وابستگی ایران‌محور به نفت و ایجاد مشارکت‌های بین‌المللی جدید محسوب می‌شود. در حوزه صنایع نظامی، خرید تجهیزات نظامی از روسیه و مذاکره بر سر توسعه همکاری‌های مشترک در زمینه تولیدات نظامی نیز بخش مهمی از تغییرات سیاست خارجی عربستان را در نظر دارد. عربستان با کاهش وابستگی صرف به آمریکا در حوزه تأمین تسلیحات، نه تنها استقلال استراتژیک بیشتری پیدا کرده، بلکه توانسته روابط نظامی خود را با قدرت‌های مختلف، از جمله روسیه، تقویت کند. این اقدام‌ها بخشی از برنامه کلی عربستان برای ایجاد تعادل میان قدرت‌های جهانی و تأمین امنیت داخلی و منطقه‌ای است.

در سیاست خارجی عربستان نسبت به روسیه، نقش محمد بن سلمان به‌عنوان رهبر پرنفوذ نشان‌دهنده تغییرات بنیادینی است که در رویکرد عربستان نسبت به روابط خارجی اعمال شده است. او با درک اهمیت تغییرات در نظم جهانی و فشارهای داخلی، توانسته روابط با روسیه را به سطح همکاری‌های متقابل استراتژیک برساند. در این رویکرد، تعامل با روسیه به جلوگیری از انزوا در یک نظام جهانی چندقطبی و حفظ استقلال عربستان کمک کرده و این کشور را به یکی از قدرت‌های منطقه‌ای اثرگذار تبدیل کرده است.

در مجموع، سیاست خارجی عربستان نسبت به روسیه در دوران محمد بن سلمان بازتابی از تغییرات اساسی در رویکرد این کشور به روابط بین‌المللی است. افزایش همکاری‌های اقتصادی، امنیتی، و دیپلماتیک با روسیه به عربستان امکان داده است جایگاه خود را در منطقه و جهان تثبیت کند و به اهداف اقتصادی و سیاسی بلندمدت خود دست یابد. این تغییرات نه تنها نشان‌دهنده کاهش وابستگی کامل به غرب، به‌ویژه ایالات متحده، بوده بلکه بازتاب‌دهنده تلاش عربستان برای پاسخ به فشارهای داخلی و خارجی در قالب روابط استراتژیک با قدرت‌های جهانی مانند روسیه است. روابط عربستان و روسیه در دوران محمد بن سلمان مثال روشنی از تعامل میان اهداف ملی، فشارهای بین‌المللی، و تصمیمات رهبری است.

مولفه های اثرگذار بر سیاست خارجی عربستان در قبال روسیه

۱- نفوذ عربستان در جهان اسلام و مسئله مبارزه با تروریسم

روابط عربستان سعودی با روسیه در حوزه مبارزه با تروریسم از دو عامل اساسی ناشی می‌شود: اول، تجربه روسیه در مقابله با چالش‌های تروریستی داخلی، خصوصاً در منطقه قفقاز و بحران‌های چچن؛ و دوم، تمایل عربستان به استفاده از توانایی‌های روسیه برای بهبود امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی. این همکاری شامل تبادل اطلاعات امنیتی، استراتژی‌های مشترک برای مقابله با افراط‌گرایی، و ایجاد هماهنگی‌های امنیتی میان دو کشور بوده است. تعامل امنیتی میان عربستان و روسیه نه تنها باعث تقویت روابط دوجانبه شده، بلکه جایگاه بین‌المللی عربستان را به‌عنوان شریک مهم در مبارزه با تهدیدات جهانی افزایش داده است.

از منظر واقع‌گرای نوکلاسیک، سیاست خارجی عربستان سعودی در قبال روسیه تحت تأثیر عوامل داخلی نیز بوده است. تغییرات عمده‌ای که محمد بن سلمان در داخل عربستان ایجاد کرده، مانند محدود کردن نفوذ مذهب‌یون افراطی و اجرای اصلاحات گسترده اقتصادی و اجتماعی، بر سیاست خارجی این کشور تأثیر گذاشته است. این اصلاحات به عربستان اجازه داده است که چهره‌ای جدید در عرصه بین‌المللی به نمایش بگذارد و به‌عنوان کشوری مدرن و عمل‌گرایانه شناخته شود. این تغییرات داخلی همچنین به ارتقای ظرفیت عربستان در مدیریت تهدیدات امنیتی کمک کرده‌اند.

عربستان سعودی با گسترش روابط خود فراتر از چارچوب سنتی غرب‌گرایی و توسعه تعاملات با قدرت‌هایی مانند روسیه، در تلاش است تا جایگاه خود را در نظم جهانی چندقطبی جدید تثبیت کند. کاهش نفوذ ایالات متحده در منطقه و ظهور قدرت‌هایی مانند روسیه و چین باعث شده است که عربستان رویکرد عمل‌گرایانه‌تری در سیاست خارجی اتخاذ کند. پیوندهای امنیتی و مبارزه با تروریسم با روسیه امکان داده است که عربستان به‌عنوان یک بازیگر استراتژیک و پیشرو در حل بحران‌های جهانی شناخته شود.

محمد بن سلمان همچنین استفاده از مبارزه با تروریسم را به‌عنوان ابزار دیپلماتیکی برای تعامل با دیگر کشورهای مسلمان مورد توجه قرار داده است. روابط میان عربستان و روسیه نشان‌دهنده توانایی این کشور در ایجاد همکاری‌های فراتر از زمینه‌های اقتصادی و مذهبی است. محمد بن سلمان با استفاده از این روابط، تلاش کرده است نقش عربستان در سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای را تقویت کند. همکاری مشترک در مبارزه با تروریسم به اتخاذ استراتژی‌های تأثیرگذار در سازمان‌های جهانی مانند سازمان ملل و سازمان همکاری اسلامی منجر شده است.

در نهایت، نفوذ عربستان سعودی در جهان اسلام و مبارزه با تروریسم در سیاست خارجی این کشور در قبال روسیه در دوران محمد بن سلمان نه تنها بازتاب‌دهنده اهداف استراتژیک داخلی و بین‌المللی بوده، بلکه نشان‌دهنده تغییرات بنیادین در رویکرد عربستان به مسائل دیپلماتیک و امنیتی است. سیاست عربستان در تعامل با روسیه در این دو زمینه، به‌خوبی بیانگر تطبیق این کشور با تحولات جهانی و تلاش برای تثبیت جایگاه خود به‌عنوان یکی از قدرت‌های اصلی جهان اسلام است. با استفاده از نظریه واقع‌گرایی نوکلاسیک، می‌توان این سیاست را نتیجه ترکیب تغییرات ساختاری نظام بین‌المللی و فشارهای داخلی ارزیابی کرد که به شکل‌گیری رابطه‌ای خاص میان عربستان و روسیه منجر شده‌اند.

۲- اهمیت اقتصادی و تجاری عربستان

در حالی که ریاض به دنبال تنوع‌بخشی به شرکای اقتصادی خود است، روسیه خود را در یک انزوای اقتصادی می‌بیند که توسعه مناسبات راهی جهت خروج از این انزوا می‌باشد (Aljazeera, 28 Mar 2018). عربستان سعودی به لحاظ اقتصادی و تجاری برای روسیه حائز اهمیت می‌باشد و روسیه تلاش دارد تا برخی از نیازهای خود را از طریق توسعه روابط با عربستان مرتفع سازد. در همین ارتباط شورای بازرگانی سعودی- روسی در سال ۲۰۰۵ با هدف توسعه همکاری‌ها در زمینه کسب و کار سطوح کوچک و متوسط در دو کشور ایجاد شد. همکاری‌های اولیه در سال ۲۰۰۷ زمانی که پوتین از ریاض بازدید کرد شکل گرفت. این دیدار به قراردادهای مختلفی در زمینه تولید انرژی، فضا (ارسال ماهواره)، زیرساخت‌های ارتباطی، تولید برق هسته‌ای و متالوژی منعقد شد و نهایتاً نیز همکاری‌ها در زمینه نظامی و فنی تقویت گردید (Kosach and Melkumyan, 2016).

(5-6). اما در سال‌های اخیر مسکو با هدف کاهش تأثیرات منفی تحریم‌هایی که غرب پس از بحران کریمه بر علیه این کشور اعمال نمود، مناسبات خود را با ریاض بیش از گذشته توسعه بخشید. اهمیت عربستان را می‌توان در چند بعد مورد بررسی قرار داد. نخست دستیابی به تکنولوژی غرب: به این معنا که مقامات روس معتقدند که همکاری فعال اقتصادی و انجام پروژه‌های مشترک با کشورهای خاورمیانه از جمله عربستان می‌تواند به روسیه در دستیابی به تکنولوژی و تجهیزات مربوط به حوزه نفت، گاز، پتروشیمی و سایر حوزه‌های فناوری که دسترسی به آنها به واسطه تحریم‌های غرب محدود شده است کمک کند. دوم، اهمیت منابع مالی عربستان جهت سرمایه‌گذاری در روسیه می‌باشد. در همین راستا در سال ۲۰۱۵ صندوق سرمایه‌گذاری مستقیم روسیه به انعقاد قراردادی با صندوق سرمایه‌گذاری کل عربستان سعودی و همچنین انعقاد یک توافقنامه همکاری با اداره کل سرمایه‌گذاری این کشور مبادرت ورزید. از سال ۲۰۱۷ نیز صندوق سرمایه‌گذاری روسیه، قراردادها و یادداشت‌های تفاهمی را درباره همکاری با بخش‌های مختلف سرمایه‌گذاری در عربستان سعودی، بحرین، کویت، قطر و امارات امضا کرد. در آوریل سال ۲۰۱۷، والتینا ماتوینکو سخنگوی اتاق بازرگانی پارلمان روسیه اعلام کرد که عربستان سعودی در نتیجه این توافقنامه بیش از ۶۰۰ میلیون دلار در اقتصاد روسیه سرمایه‌گذاری کرده است و همچنین اظهار داشت که تا سال ۲۰۱۸ دو کشور شروع به اجرای چندین پروژه مهم به ارزش ۳ میلیارد دلار می‌کنند. در حال حاضر مقامات روسیه خواهان مشارکت سعودی‌ها در پروژه‌هایی هستند که هدف آنها توسعه ظرفیت تولید گاز مایع طبیعی و ایجاد سرمایه‌گذاری مشترک برای تحقیق، طراحی و تولید تجهیزات نفت و گاز است (Kozhanov, 2018: 14-15). در مقابل نیز صندوق سرمایه‌گذاری مستقیم روسیه به همراه کمپانی «سیپرو» که از جمله کمپانی‌های پیشرو در حوزه گاز و پتروشیمی در روسیه محسوب می‌شود، توافقنامه‌ای را با کمپانی آرامکو در عربستان سعودی منعقد کردند (Dubovikova, 2017).

نتیجه تلاش مشترک صندوق سرمایه‌گذاری مستقیم روسیه و صندوق سرمایه‌گذاری کل عربستان سعودی تاکنون به سرمایه‌گذاری یک و نیم میلیارد دلاری در زمینه‌های پتروشیمی، انرژی، تدارکات، حمل و نقل، زیرساخت‌ها، تولیدات صنعتی و املاک و مستغلات منجر شده است (Sen, 2018). انتظار می‌رود با افزایش میزان سرمایه‌گذاری و همکاری میان شرکت‌های تجاری دو کشور، روابط اقتصادی میان عربستان و روسیه بیش از قبل تقویت شود. روسیه همچنین تلاش دارد تا از ظرفیت‌های مالی بانک‌های اسلامی عربستان جهت سرمایه‌گذاری در بخش‌های زیرساختی خود بهره‌برداری نماید. علاوه بر این، مسکو در صدد است تا با حمایت از صنعت توریسم خود، توریست‌های عربستانی را که تمایلی فراوانی به ولخرجی و صرف پول دارند جذب نماید. همچنین در سال‌های اخیر، عربستان به نوعی به قطب صادرات محصولات کشاورزی و همچنین دامی روسی در آسیا و آفریقا تبدیل شده است و روسیه صادرات این محصولات را از سال ۲۰۱۷ به طور چشمگیری به این کشور افزایش داده است. سعودی‌ها میل دارند تا با خرید محصولات کشاورزی روسی، نه تنها برای خود؛ بلکه برای رفع نیازهای همسایگان آسیایی و آفریقایی، خود به کانون صادرات مجدد محصولات کشاورزی روسیه تبدیل شوند.

سیاست خارجی عربستان سعودی در دوران محمد بن سلمان با تغییر جدی در اولویت‌های استراتژیک این کشور همراه بوده است. در این دوران، اهمیت اقتصادی و تجاری به یکی از محورهای اصلی سیاست‌های این کشور در تعامل با قدرت‌های جهانی، از جمله روسیه، تبدیل شده است. این تغییرات چه از منظر داخلی و چه از منظر بین‌المللی قابل تحلیل است و نظریه واقع‌گرایی نوکلاسیک، که بر اثرگذاری همزمان عوامل داخلی و بین‌المللی بر سیاست خارجی تأکید دارد، ابزار مفیدی برای بررسی این روند است. عربستان سعودی تحت رهبری محمد بن سلمان تلاش کرده است تا از ظرفیت‌های اقتصادی و تجاری خود برای تقویت موقعیت بین‌المللی و روابط استراتژیک با روسیه استفاده کند.

عربستان سعودی با اتکا به منابع غنی انرژی خود، به‌ویژه نفت و گاز، یکی از بزرگ‌ترین بازیگران اقتصادی در جهان است. این منابع نه تنها زیربنای اقتصاد داخلی عربستان را تشکیل می‌دهند، بلکه ابزاری قدرتمند در سیاست خارجی این کشور به شمار می‌روند. وابستگی بسیاری از کشورها به منابع نفتی عربستان به این کشور امکان داده است تا از انرژی به‌عنوان ابزاری برای تنظیم روابط بین‌المللی استفاده کند. در چارچوب تعامل با روسیه، این مسأله نقشی کلیدی ایفا کرده است، چرا که روسیه نیز یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان انرژی در جهان به شمار می‌رود و تعاملات بین این دو کشور در حوزه انرژی بر تعادل بازارهای جهانی نفت و گاز تأثیرگذار است.

۳- بحران سوریه

مسئله سوریه و حمایت عربستان و قطر از مخالفان اسد یک متغیر منفی بین روابط روسیه و کشورهای خلیج فارس بود؛ به خصوص که در نوامبر ۲۰۱۱ در پی یک حادثه مهم، سفیر روسیه در فرودگاه دوحه به وسیله‌ی یکی از مدموران فرودگاه که قصد داشت کیف دیپلماتیک وی را بگردد مورد ضرب و شتم شدید قرار گرفت؛ اما باز هم به موازات تنش‌های کلامی، روابط اقتصادی و سیاسی دو کشور همچنان باقی ماند. از آنجا که روابط روسیه و کشورهای خلیج فارس در سال‌های اخیر تحت تأثیر بحران سوریه قرار گرفته است، روسیه تلاش کرده است تا با استفاده از نفوذی که خود در سال‌های اخیر در این منطقه به دست آورده است و نیز تمایلی که این کشورها در نزدیک شدن به روسیه دارند، قدری در مواضع کشورهای منطقه تعدیل ایجاد کند که البته در اکثر موارد به استثنای عربستان موفق بوده است (بایف، ۲۰۱۵: ۱۲-۱).

بحران سوریه از یک سو فرصتی برای عربستان سعودی بود تا میان نفوذ منطقه‌ای خود و رقیبانش، به‌ویژه ایران، موازنه‌ای برقرار سازد و از سوی دیگر چالشی بود که روابط این کشور را با قدرت‌های بزرگ، به‌خصوص روسیه، در معرض تغییر قرار داد. عربستان سعودی در مراحل اولیه بحران سوریه از گروه‌های مخالف دولت بشار اسد حمایت کرد. این حمایت عمدتاً به دلیل نگرانی از نقش ایران در سوریه بود که به دنبال بحران، به یک قدرت تعیین‌کننده در آن منطقه تبدیل شده بود. در این زمان، عربستان سعودی در چارچوب منافع منطقه‌ای خود تلاش می‌کرد که نفوذ ایران را محدود کند و با حذف دولت اسد از طریق حمایت از مخالفان، زمینه‌ای برای شکل‌گیری حکومتی همسو با منافع خود فراهم کند.

با این حال، مداخله نظامی روسیه در بحران سوریه در سال ۲۰۱۵، شرایط منطقه را به‌طور اساسی تغییر داد. این مداخله باعث نجات حکومت بشار اسد و تقویت موقعیت ایران در سوریه شد. عربستان سعودی که تمایل داشت با حمایت از مخالفان اسد نفوذ خود را در سوریه گسترش دهد، با چالشی جدی روبرو شد؛ چرا که روسیه به‌عنوان یک بازیگر جهانی وارد میدان شده بود و به شکل فعالی از دولت اسد حمایت می‌کرد. در این شرایط، عربستان سعودی مجبور شد استراتژی خود را بازنگری کند و رویکردی جدید در قبال روسیه اتخاذ نماید.

در این دوران و با ظهور محمد بن سلمان، عربستان سعودی تلاش کرد تا سیاست خارجی خود را فراتر از یک‌جانبه‌گرایی در تعامل با غرب گسترش دهد و روابط نزدیکی با سایر قدرت‌های جهانی، از جمله روسیه، برقرار کند. این تغییر رویکرد بخشی از درک واقعیت‌های جدید ناشی از بحران سوریه بود. محمد بن سلمان دریافته بود که نفوذ روسیه در منطقه خاورمیانه در حال افزایش است و عربستان نمی‌تواند جایگاه این کشور را نادیده بگیرد. از این‌رو، چرخه سیاست خارجی عربستان سعودی در قبال روسیه تغییر کرد؛ از تقابل غیرمستقیم در بحران سوریه به سمت تعامل و همکاری در سایر حوزه‌ها.

از منظر واقع‌گرایی نوکلاسیک، این تغییر نتیجه تأثیرات هم‌زمان عوامل داخلی و خارجی بوده است. در سطح بین‌المللی، عربستان سعودی با واقعیت جدیدی مواجه شد که طی آن روسیه به یک قدرت تعیین‌کننده در خاورمیانه تبدیل شده است. مداخله مؤثر روسیه در بحران سوریه نشان داد که این کشور توانایی بازیابی نقش جهانی خود را داشته و می‌تواند بازیگر مهمی در حل‌وفصل بحران‌های منطقه‌ای باشد. عربستان سعودی تحت فشار نظام چندقطبی نوظهور مجبور شد که به جای تقابل مستقیم با روسیه، روابط خود را با این کشور متوازن کند و رویکردی عمل‌گرایانه‌تر اتخاذ نماید.

از منظر داخلی، تغییرات ایجادشده توسط محمد بن سلمان، به‌ویژه در زمینه کاهش وابستگی سیاست‌های منطقه‌ای به معیارهای ایدئولوژیک و مذهبی و تمرکز بیشتر بر منافع اقتصادی و استراتژیک، تأثیر قابل‌توجهی بر این چرخش سیاست داشته است. محمد بن سلمان با تغییر سیاست‌های داخلی عربستان، سعی داشت از نقش این کشور در بحران سوریه به‌عنوان ابزاری برای بهبود روابط با روسیه استفاده کند. عربستان شروع به کاهش حمایت خود از برخی گروه‌های مخالف اسد کرد و از اقدامات روسیه در مناطق کاهش تنش حمایت نمود. این اقدام تلاش آشکاری بود برای جلب همکاری روسیه و کاهش تأثیر منفی بحران سوریه بر روابط دوجانبه.

عربستان سعودی در ادامه این سیاست، به گسترش همکاری‌های اقتصادی با روسیه روی آورد. توافقات نفتی در قالب اوپک پلاس نمونه بارزی از این همکاری‌ها است که نشان‌دهنده تلاش عربستان برای ایجاد روابط استراتژیک با روسیه در زمینه‌هایی

فرا تر از بحران سوریه است. این توافق‌ها به دو کشور امکان داد تا در مدیریت بازار نفت همکاری کنند و روابط اقتصادی و سیاسی خود را تقویت نمایند. گسترش روابط اقتصادی میان آن‌ها، به عربستان سعودی کمک کرد تا از رقابت صرف با روسیه بر سر سوریه فاصله بگیرد و ابعاد جدیدی از همکاری و تعامل را تعریف کند.

با این حال، عربستان سعودی تلاش کرد نقش خود را در سوریه به طور کامل رها نکند. از دیدگاه محمد بن سلمان، هرگونه بی‌توجهی به بحران سوریه می‌توانست به معنای قدرت‌گیری بیشتر ایران و تضعیف منافع عربستان در منطقه باشد. بنابراین، سیاست خارجی عربستان سعی کرد که ضمن سازگاری با نفوذ روسیه در سوریه، از باز شدن فضایی که منجر به تسلط کامل ایران و هم‌پیمانانش در این کشور شود، جلوگیری کند. عربستان همکاری‌های دیپلماتیک خود را با اپوزیسیون سوریه ادامه داد، اما این همکاری‌ها به تدریج از حالتی نظامی و تهاجمی به شکل سیاسی و مذاکره‌محور تغییر یافت.

بحران سوریه همچنین به عربستان سعودی این فرصت را داد که تعامل خود را با سایر بازیگران خاورمیانه بازنگری کند. محمد بن سلمان تلاش کرد تا از کاهش تنش‌هایی که به نفع روسیه و ایران در سوریه انجام می‌گیرد، برای تثبیت جایگاه عربستان در نظام منطقه‌ای استفاده کند. همکاری عربستان و روسیه در بحران سوریه توانست تا حدی به کاهش اختلافات در سایر حوزه‌ها کمک کند و روابط دوجانبه این دو کشور را به سوی یک مسیر متوازن‌تر سوق دهد.

۴- فروش تسلیحات و همکاری‌های نظامی - فنی

در دوران محمد بن سلمان، عربستان سعودی تلاش کرده است تا سیاست خارجی چندبعدی‌تری را اتخاذ کند و از وابستگی بیش از حد به غرب، به ویژه ایالات متحده در حوزه نظامی، بکاهد. این تلاش، که به طور خاص در زمینه خرید تسلیحات و همکاری‌های نظامی آغاز شد، تا حد زیادی پاسخی به تغییرات در محیط بین‌المللی و داخلی بود. عربستان سعودی در این زمان به این نتیجه رسید که تأمین نیازهای نظامی خود از منابع متنوع، علاوه بر تقویت امنیت ملی، به گسترش روابط خود با قدرت‌های جهانی، از جمله روسیه، کمک خواهد کرد. این رویکرد همچنین به این کشور امکان داد که از لحاظ استراتژیک استقلال بیشتری کسب کند و وابستگی سنتی خود به ایالات متحده را کاهش دهد.

یکی از دلایل اصلی رویکرد عربستان سعودی به روسیه در زمینه خرید تسلیحات، تقویت موقعیت بین‌المللی این کشور در ساختار چندقطبی جهانی است که در حال ظهور است. با افزایش نفوذ روسیه در خاورمیانه و جهان، محمد بن سلمان به این نتیجه رسید که همکاری در حوزه نظامی و خرید تسلیحات روسی می‌تواند زمینه‌ساز نزدیکی سیاسی و تقویت روابط دیپلماتیک با مسکو باشد. عربستان سعودی در سال‌های اخیر مذاکرات متعددی با روسیه برای خرید سیستم‌های پیشرفته دفاع هوایی مانند اس-۴۰۰ انجام داده است. چنین همکاری‌هایی علاوه بر جنبه‌های نظامی، بیانگر تلاش عربستان برای حضور در یک بازی چندجانبه در عرصه جهانی بود.

از منظر واقع‌گرایی نوکلاسیک، این رویکرد عربستان سعودی به وضوح نتیجه تأثیر محرک‌های داخلی و خارجی بوده است. در سطح داخلی، برنامه اصلاحات اقتصادی و اجتماعی محمد بن سلمان که تحت عنوان چشم‌انداز ۲۰۳۰ اجرا می‌شود، به کاهش وابستگی این کشور به منابع سنتی امنیتی و همچنین بازسازی زیرساخت‌های دفاعی آن توجه دارد. افزایش تهدیدات منطقه‌ای، به ویژه حضور فعال ایران در سوریه، یمن و عراق، عربستان سعودی را به سمت تقویت توان نظامی خود سوق داده است. از این منظر، همکاری‌های نظامی-فنی با روسیه تنها یک راه تقویت امنیت ملی نیست؛ بلکه بخشی از تلاش برای استقلال استراتژیک و کاهش اتکای امنیتی به ایالات متحده است.

محمد بن سلمان همچنین به نقش خرید تسلیحات و همکاری‌های نظامی به منزله ابزاری برای تقویت روابط دیپلماتیک و اقتصادی با روسیه توجه داشته است. روابط تسلیحاتی این دو کشور فراتر از معامله‌های نظامی بوده و به بستری برای گسترش همکاری‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌های مشترک تبدیل شده است. سرمایه‌گذاری‌های روسیه در بخش‌های استراتژیک عربستان و مشارکت در پروژه‌های منطقه‌ای نشان‌دهنده همگرایی بیشتر میان دو کشور است که از همکاری‌های نظامی آغاز شده و به حوزه‌های غیرنظامی نیز گسترش یافته است.

از سوی دیگر، خرید تسلیحات روسی به عربستان سعودی امکان داده است تا سیستم‌های نظامی متنوعی را در ارتش خود به کار گیرد و از اولویت‌های استراتژیک متنوعی بهره‌مند شود. این تنوع در تجهیزات نظامی هم برای تقویت قدرت نظامی کشور و هم

برای ارسال پیام‌های استراتژیک به قدرت‌های دیگر، از جمله ایالات متحده، مؤثر بوده است. محمد بن سلمان به این نتیجه رسید که تقویت روابط نظامی با روسیه علاوه بر حفظ امنیت ملی، عربستان را در موقعیتی قرار می‌دهد که با قدرت‌های مختلف جهانی تعامل سازنده داشته باشد و پیمان‌های خود را بر اساس منافع ملی تعریف کند.

به‌طور کلی، همکاری‌های نظامی-فنی عربستان و روسیه در دوران محمد بن سلمان نشان‌دهنده تلاش این کشور برای تطبیق خود با نظم جدید بین‌المللی و کاهش وابستگی‌های سنتی است. این همکاری‌ها نه تنها از جنبه تقویت امنیت ملی عربستان قابل توجه است، بلکه به دلیل تأثیر آن بر روابط دیپلماتیک و اقتصادی این کشور با روسیه اهمیت دارد. عربستان سعودی از خرید تسلیحات و همکاری‌های نظامی با روسیه به‌عنوان ابزاری برای تقویت جایگاه جهانی خود و افزایش نقش آفرینی در نظام چندقطبی استفاده کرده است.

در مجموع، سیاست عربستان سعودی در قبال روسیه در حوزه تسلیحات و همکاری‌های نظامی، بازتاب‌دهنده ترکیب فشارهای داخلی و بین‌المللی است که نظریه واقع‌گرایی نوکلاسیک بر آن تأکید دارد. محمد بن سلمان با بهره‌گیری از روابط نظامی با روسیه، تلاش کرد تا علاوه بر تقویت توان دفاعی کشور، جایگاه عربستان را در تعاملات جهانی ارتقا دهد و استقلال بیشتری در سیاست خارجی خود کسب کند. این سیاست‌ها همچنین به این کشور اجازه داد تا روابط خود را با قدرت‌های مختلف جهانی تعادل بخشد و در مسیر تنوع‌بخشی به اولویت‌های امنیتی و استراتژیک خود حرکت کند. هم‌زمان، این همکاری‌ها بستری برای همگرایی بیشتر در دیگر حوزه‌ها، از جمله اقتصادی و دیپلماتیک، میان عربستان و روسیه فراهم آورد و به گسترش روابط این دو کشور کمک کرد.

۵- حوزه انرژی

حوزه انرژی یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در سیاست خارجی عربستان سعودی در قبال روسیه در دوران محمد بن سلمان بوده است. این موضوع به دلیل نقش انرژی، به‌ویژه نفت و گاز، در اقتصاد جهانی و همچنین به‌عنوان ابزار قدرت در دیپلماسی بین‌المللی اهمیت ویژه‌ای دارد. عربستان سعودی به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان نفت جهان و روسیه به‌عنوان یکی از بازیگران اصلی در بازار انرژی جهانی، منافع مشترکی در حوزه انرژی دارند، اما در عین حال رقابت‌ها و اختلافاتی نیز میان آنها وجود داشته است. سیاست‌های انرژی عربستان در تعامل با روسیه در چارچوب نظریه واقع‌گرایی نوکلاسیک، بیانگر تأثیر محرک‌های داخلی و خارجی بر سیاست‌گذاری این کشور در دوران محمد بن سلمان است. این نظریه به تبیین رفتارهای عربستان از طریق عوامل داخلی همچون اصلاحات اقتصادی و عوامل خارجی نظیر نظم نوظهور جهانی می‌پردازد.

در دوران محمد بن سلمان، عربستان سعودی تلاش کرده است تا اقتصاد خود را از وابستگی به نفت و گاز خارج کند و از سوی دیگر، نقش خود در بازار جهانی انرژی را به‌عنوان تولیدکننده اصلی نفت حفظ نماید. این دو هدف یک چالش اساسی برای سیاست‌های انرژی عربستان در سطح بین‌المللی ایجاد کرده است. عربستان محمد بن سلمان به‌طور خاص چشم‌انداز ۲۰۳۰ را تعیین کرده که بر پایه تحول اقتصادی این کشور بنا شده و کاهش وابستگی به نفت از اهداف اصلی آن است. در این راستا، کشور سعی کرده است تا نقش خود در ساختار بازار انرژی جهانی را با نزدیکی به قدرت‌های بزرگ مانند روسیه تنظیم کند تا علاوه بر تثبیت موقعیت خود، تأثیر ایران و دیگر رقبای خود را در بازار کاهش دهد.

یکی از مهم‌ترین زمینه‌های همکاری عربستان سعودی و روسیه در حوزه انرژی، مشارکت در توافقات اوپک پلاس بوده است. اوپک پلاس (+OPEC) که شامل کشورهای عضو اوپک و چند کشور غیرعضو نظیر روسیه است، ابزاری بود که عربستان سعودی و روسیه برای مدیریت بازار جهانی نفت و حفظ ثبات قیمت‌ها به آن روی آوردند. پس از بحران سقوط قیمت‌های نفت در سال ۲۰۱۴، عربستان سعودی و روسیه به این نتیجه رسیدند که همکاری در محدود کردن تولید نفت و تنظیم عرضه جهانی برای حفظ منافع اقتصادی هر دو کشور ضروری است. این همکاری به‌طور خاص در دوران محمد بن سلمان قوت گرفت. عربستان سعودی به‌عنوان رهبری اوپک و روسیه به‌عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده غیرعضو، از طریق اوپک پلاس نه تنها در حفظ ثبات بازار جهانی موفق بوده‌اند، بلکه روابط سیاسی و اقتصادی دوجانبه خود را نیز تقویت کرده‌اند.

این همکاری در زمینه انرژی از منظر واقع گرایی نوکلاسیک، نتیجه فشارهای داخلی و بین‌المللی بر عربستان بوده است. از یک سو، تغییرات در بازار جهانی انرژی، از جمله گسترش تولید نفت شیل در ایالات متحده، عربستان سعودی را وادار کرد تا به منظور حفظ سهم خود در بازار جهانی به مذاکره با سایر تولیدکنندگان بزرگ نفت، نظیر روسیه، بپردازد. از سوی دیگر، نیاز داخلی عربستان به حفظ درآمدهای نفتی برای پیشبرد اصلاحات اقتصادی و تحقق اهداف چشم‌انداز ۲۰۳۰، موجب شد که این کشور نقش فعالی در اوپک پلاس ایفا کند. روسیه نیز در این همکاری‌ها به دنبال حفظ منافع اقتصادی و تقویت نفوذ سیاسی خود در بازار جهانی انرژی بود. این منافع مشترک به همکاری‌های عربستان و روسیه در حوزه انرژی، که یکی از محورهای اساسی سیاست خارجی عربستان در دوران محمد بن سلمان بوده است، شکل داد.

همکاری‌های عربستان و روسیه در حوزه انرژی همچنین به عنوان ابزاری برای موازنه‌سازی در برابر نفوذ قدرت‌های دیگر، از جمله ایالات متحده و ایران، مورد توجه قرار گرفت. عربستان سعودی با گسترش روابط خود با موسکو، تلاش کرد که نفوذ روسیه بر ایران و دیگر کشورهای تولیدکننده نفت را مدیریت کند. از سوی دیگر، این همکاری‌ها پیام روشنی برای ایالات متحده داشت مبنی بر اینکه عربستان سعودی قادر است سیاست متنوع‌تری در حوزه انرژی اتخاذ کند و روابط خود را با قدرت‌های غیرغربی، از جمله روسیه، گسترش دهد. این تنوع‌سازی در روابط بین‌المللی، بیانگر تلاش عربستان برای تطبیق خود با نظم چندقطبی جهانی بوده است. محمد بن سلمان، که دیدگاهی متفاوت نسبت به سیاست خارجی سنتی عربستان داشت، توانست این همکاری‌ها را به بخشی از نقشه کلان سیاسی و اقتصادی عربستان در دوران جدید تبدیل کند.

۶- بحران یمن

از آغاز درگیری‌ها در یمن، روسیه تحرک فعال و مشهودی در حل و فصل آن نداشته است. سیاست روسیه در این ارتباط تا حد زیادی تحت تأثیر مؤلفه‌های مختلفی از جمله بهبود روابط با عربستان سعودی قرار داشته است. طی چند سال گذشته، دو کشور توانستند به رغم اختلافات شدید در مورد سایر مسائل منطقه‌ای از جمله بحران سوریه در مورد تقویت روابط دوجانبه، هماهنگی اقدام در بازار نفت به توافق برسند و شاه سعودی برای اولین بار به روسیه در ۲۰۱۷ سفر کرد. از این رو، روسیه تمایلی ندارد تا تلاش‌های صورت گرفته برای بهبود روابط با سعودی تحت تأثیر مسائل یمن قرار گیرد. انتقال سفارت روسیه از صنعا در همین راستا قابل ارزیابی است.

همچنین روس‌ها علاقه چندانی به تعامل با نیروهای انقلابی و غیردولتی ندارند و بیشتر ترجیح می‌دهند با دولت‌ها تعامل داشته باشند. ضمن اینکه عوامل دولت یمن ارتباط قدیمی و سنتی با روسیه داشته‌اند. از این رو روس‌ها از ابتدای بحران یمن، منصور هادی را به عنوان رئیس جمهور قانونی یمن به رسمیت شناختند. از نظر روس‌ها ماهیت بحران‌های سوریه و یمن متفاوت است. سوریه برای روسیه منافع سیاسی، نظامی، امنیتی و اقتصادی فراوانی دارد، ولی مسئله یمن ممکن است روسیه را در برابر جهان عرب به نفع ایران قرار دهد.

وجه دیگر بحران یمن بار اخلاقی آن می‌باشد که روسیه تاکنون ضمن حفظ بی‌طرفی با صدور بیانیه‌هایی، خواستار قطع حملات و کمک به مردم یمن شده است که این مسئله نیز به تقویت جایگاه روسیه در بین گروه‌های درگیر منجر شده است. با این حال روس‌ها علیرغم آگاهی از مسائل یمن تاکنون به حوثی‌ها کمک خاصی نکرده‌اند و فقط کانال ارتباطی خود با آنها را نگاه داشته‌اند.

از سوی دیگر، عربستان هرچند به عنوان همسایه ثروتمند یمن فقیر نگرانی‌هایی در مورد ثبات و امنیت این کشور دارد و این نگرانی‌ها منجر به دخالت نظامی این کشور در یمن شده است، اما چالش کنونی این است که عربستان سعی می‌کند نقش خود را به عنوان یک قدرت رهبر سنی در جهان عرب مطرح کند. بر اساس همین نگرش، با استناد به درخواست مداخله از سوی رئیس جمهور مستعفی، منصور هادی، دولت عربستان سعودی به همراه دیگر اعضای شورای همکاری خلیج فارس به جز عمان و نیز با همکاری اردن، به مداخله هوایی در برابر جنبش انصارالله مبادرت ورزید. مصر نیز چهار کشتی جنگی روانه خلیج عدن نمود و تمایل خود را برای فرستادن نیروی زمینی اعلام کرد. ترکیه نیز پشتیبانی لجستیکی فراهم می‌کند و بنا بر برخی از گزارش‌ها، سودان نیز به این عملیات پیوسته است. این مداخله فوری‌ترین چالش سیاست خارجی عربستان از زمان روی کار آمدن ملک سلمان است که در سطح دیپلماتیک، دستاوردهایی برای پادشاهی داشته است، زیرا این نخستین صف‌آرایی فرماندهی مشترک

نظامی شورای همکاری خلیج فارس است که محصول ایجاد رابطه حسنه با ترکیه و قطر می‌باشد و کشورهای چوون مصر، پاکستان، افغانستان، اردن، سودان و ایالات متحده از آن حمایت کرده‌اند. در داخل نیز خط سلمان به ویژه پسرش محمد بن سلمان را که ابتدا به دلیل جوانی و بی‌تجربگی، توانایی‌هایش مورد تردید، بود تقویت نموده است (Fredric Wehrey, 2015: 1-3)

در تحولی دیگر، ملک سلمان طی احکامی شاهزاده مقرر را از ولیعهدی خود برکنار کرد و محمد بن نایف را جانشین وی ساخت. از سوی دیگر، سعود الفیصل، وزیر امور خارجه با سابقه این کشور را از سمت خود کنار گذاشت و به جای وی، عادل الجبیری، سفیر عربستان در آمریکا را به عنوان وزیر امور خارجه منصوب کرد. در مورد این تغییرات گفته می‌شود ملک سلمان بحران یمن را ناشی از عدم انسجام در سیاست خارجی می‌داند، زیرا دیدگاه یکسانی درباره عبدالله صالح و حوثی‌ها وجود نداشت و همین مسئله باعث افزایش نفوذ ایران در یمن، توسعه‌طلبی حوثی‌ها و قدرت گرفتن دوباره صالح شده بود (Khatib, 2015). این انتصاب‌های جدید به ویژه قدرت گرفتن محمد بن سلمان که ارتباط نزدیکی با حمله نظامی به یمن دارد، نشان دهنده اتخاذ یک رویکرد تهاجمی‌تر نسبت به ایران است (Kinninmont, 2015).

در چارچوب واقع‌گرایی نوکلاسیک، فشارهای سیستم بین‌المللی عربستان را وادار کرد که در یمن وارد عمل شود. موازنه قدرت، که از اصول کلیدی این نظریه است، نقش مهمی در تصمیم‌گیری عربستان داشت. ریاض تلاش کرد از طریق مداخله نظامی در یمن نه تنها تهدیدهای ایران را کاهش دهد، بلکه یک پیام استراتژیک به سایر قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ارسال کند مبنی بر اینکه این کشور حاضر است به صورت فعالانه از قلمرو و نفوذ خود دفاع کند. ائتلافی که عربستان برای این مداخله تشکیل داد، شامل کشورهای منطقه‌ای مانند امارات متحده عربی و سودان بود که نشان دهنده تلاش ریاض برای ایجاد اتحادهای منطقه‌ای در مقابل ایران و تقویت امنیت دسته‌جمعی بود. علاوه بر این، حمایت غیرمستقیم قدرت‌های غربی، به ویژه ایالات متحده، از این مداخله، عربستان را قادر ساخت که با اتکا به روابط بین‌المللی خود، عملیات نظامی در یمن را مدیریت کند.

۷- جنگ اوکراین

عربستان سعودی با برقراری سیاست متوازن در قبال بحران اخیر اوکراین سعی کرده توازن را در کفه ترازو در تعامل میان روسیه و اوکراین رعایت کند، بنابراین از یک سو عربستان سعودی از همان آغاز بحران اوکراین، جنگ را در این کشور محکوم کرده (Labow and Silber, 2022) و در اول مارس ۲۰۲۲، کابینه عربستان بر حمایت خود از تلاش‌های بین‌المللی برای کاهش تنش در اوکراین از طریق گفت‌وگو دیپلماتی، بازگرداندن امنیت و ثبات و فراهم کردن بستری برای برگزاری مذاکراتی که منجر به راه‌حل سیاسی می‌شود، تأکید کرده است. همچنین ولیعهد عربستان، محمد بن سلمان، در تماس تلفنی با زلنسکی در سوم مارس ۲۰۲۲، بر حمایت پادشاهی از هر اقدامی که به کاهش تنش کمک کند، تأکید کرده و آمادگی ریاض برای تلاش در جهت میانجیگری بین همه طرف‌ها و همچنین حمایت خود از همه تلاش‌های بین‌المللی با هدف حل و فصل سیاسی بحران را اعلام کرده است (Labow, 2022). بن سلمان همچنین در گفت‌وگوی تلفنی با زلنسکی در اکتبر ۲۰۲۲ از کمک ۴۰۰ میلیون دلاری به اوکراین خبر داده (Bell, 2022) و در مجامع بین‌المللی از جمله قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل نیز تهاجم روسیه به اوکراین را محکوم کرده است. بن سلمان در این زمینه تأکید کرده که رأی پادشاهی سعودی به قطعنامه مجمع عمومی ناشی از تعهد این کشور به اصول ریشه‌دار در منشور سازمان ملل متحد و حقوق بین‌الملل و تعهد این کشور به احترام به حاکمیت دولت‌ها و اصول حسن همجواری و حل و فصل مناقشات از راه‌های مسالمت‌آمیز است که بحران اوکراین هم از این امر مستثنا نیست. علاوه بر این، عربستان از زلنسکی برای حضور و سخنرانی در سی و دومین نشست سران اتحادیه عرب در ریاض در ۱۹ می ۲۰۲۳ دعوت کرده و زمینه ابراز نظر و جلب حمایت از دولت‌های عربی را در مورد این جنگ فراهم کرده است. از سوی دیگر شواهد موجود نشان می‌دهد عربستان به دنبال این بوده که این بحران تأثیری بر روابط عربستان با روسیه ایجاد نکند. بنابراین اگرچه عربستان از یک سو روابط دیپلماتیک خود را با اوکراین حفظ کرده و در مواضع سیاست خارجی خود نیز به حمایت از آن پرداخته؛ در عمل، در تحریم‌های وضع شده علیه روسیه با غرب همکاری نکرده و محمد بن سلمان در تماس تلفنی با پوتین نیز آمادگی مشابهی برای میانجی‌گری ابراز کرده است (Blas, 2022).

عربستان به عنوان بزرگترین تولیدکننده نفت جهان نقش مهمی در بازار انرژی ایفا می‌کند. بنابراین با توجه به جنگ اوکراین و تحریم همه جانبه روسیه، چشم غرب به کشورهای خلیج فارس به خصوص عربستان سعودی بوده تا ضمن افزایش عرضه نفت به بازار، بخشی از کاهش عرضه نفت روسیه را جبران کند. با وجود این، عربستان در نشست اوپک پلاس که در نوامبر ۲۰۲۲ برگزار شد، از تصمیم کاهش عرضه دو میلیون بشکه‌ای نفت به بازار در قالب اوپک پلاس حمایت و بن سلمان تصریح کرده که تصمیم به کاهش دو میلیون بشکه در روز، که اوپک پلاس اتخاذ کرده تا پایان سال ۲۰۲۳ ادامه خواهد داشت. این تصمیم نشان از تمایل عربستان برای افزایش قیمت نفت و انتقال کندتر انرژی داشت (Weiss and Jasmine, 2022). عربستان سعودی موضع خود را با این واقعیت توضیح داده که اوپک پلاس یک سازمان تجاری و اقتصادی است که بازارها را مدیریت می‌کند نه ژئوپلیتیک را. با این حال، دقیقاً ملاحظاتی سیاسی است که به وضوح بر رویکرد فعلی ریاض تأثیر می‌گذارد که در آن، این کشور روسیه را شریک اصلی اوپک پلاس می‌داند. بنابراین عربستان تمایلی به انزوای روسیه یا نادیده انگاشتن منافع آن ندارد. در واقع، عربستان از این طریق سیگنالی ضمنی به واشنگتن و بروکسل ارسال کرده که در صورت اعمال تحریم علیه روسیه، حمایتی از آن نخواهد کرد (Bobkin, 2022: 8).

سیاست متوازن عربستان در جنگ اوکراین را می‌توان با توجه به مدل واقع‌گرایی نئوکلاسیک سیاست خارجی تبیین کرد. در این زمینه، نقش ادراک رهبران سعودی از جنگ اوکراین، احساس مشابه تهدید ژئوپلیتیک، اقتصاد رانتیر، تحول در روابط ویژه عربستان با ایالات متحده و تغییرات ساختاری در نظام بین‌الملل به صورت مستقیم و غیرمستقیم در سیاست خارجی عربستان در قبال این بحران تأثیرگذار بوده‌اند. در واقع، از یک سو سیاست خارجی عربستان تحت تأثیر برداشت رهبران آن از جنگ اوکراین شکل گرفته که جنگ در اوکراین را یک درگیری پیچیده اروپایی و متأثر از گسترش ناتو به شرق می‌دانند که در آن نیازی به مشارکت فعال این کشور و سایر کشورهای عربی در برابر دولت روسیه وجود ندارد. بر این اساس، تحت تأثیر روابط کشورهای عربی و غرب و به ویژه عربستان و آمریکا، هیچ دولت عربی - به جز سوریه - صراحتاً از حمله روسیه، اشغال و الحاق سرزمین اوکراین حمایت نکرده‌اند (Cafiero, 2022) و چهار کشور خلیج فارس از جمله عربستان سعودی به تصویب قطع‌نامه‌ای در مورد محکوم کردن تهاجم روسیه رأی داده‌اند و خواستار خروج نظامی روسیه شده‌اند، اما آنان در سیاست‌های اعمالی خود به مقابله جدی با روسیه و همراهی در تحریم‌های اقتصادی علیه این کشور به ویژه در سیاست انرژی خود نپیوسته‌اند.

نتیجه گیری

سیاست خارجی عربستان سعودی در دوران محمد بن سلمان در قبال روسیه مبتنی بر تعاملات چندبعدی و موازنه‌سازی میان قدرت‌های جهانی بود. در این دوران، عربستان تلاش کرد روابط خود با روسیه را از تقابل‌گرایی سنتی به سمت همکاری‌های استراتژیک در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی سوق دهد. این تغییر رویکرد در چارچوب نیاز به تطبیق با نظم نوظهور جهانی و کاهش وابستگی به قدرت‌های غربی مانند ایالات متحده قابل تحلیل است.

یکی از مهم‌ترین عرصه‌های تعامل عربستان با روسیه، همکاری در حوزه انرژی بود. محمد بن سلمان نقش عمده‌ای در توافقات اوپک پلاس داشت که روسیه به‌عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده غیرعضو در این سازمان نقش کلیدی ایفا می‌کرد. این همکاری توانست به تنظیم تولید نفت، تثبیت قیمت‌ها در بازار جهانی و کاهش تأثیرات ناشی از تحولات اقتصادی، مانند بحران کووید-۱۹، کمک کند. از منظر عربستان، این توافقات نه تنها ابزاری برای حفظ منافع اقتصادی، بلکه بستری برای تقویت روابط سیاسی با مسکو بود. روسیه نیز از این تعامل برای افزایش نفوذ خود در منطقه و مقابله با انزوای ناشی از تحریم‌های غرب بهره‌برداری کرد.

در زمینه مسائل سیاسی و امنیتی، عربستان و روسیه بر سر برخی پرونده‌های منطقه‌ای مانند بحران سوریه و مبارزه با تروریسم وارد گفت‌وگو شدند. این تعاملات نشان‌دهنده تلاش محمد بن سلمان برای نزدیک شدن به روسیه به‌عنوان قدرتی مهم در نظام چندقطبی جدید بود. عربستان همچنین با توجه به نفوذ گسترده روسیه بر ایران، از این همکاری‌ها برای مدیریت نقش ایران در منطقه و حفظ توازن استراتژیک بهره‌برداری کرد. در مقابل، مسکو نیز تلاش کرد از روابط با عربستان برای تقویت حضور خود در خاورمیانه و افزایش تعاملات اقتصادی استفاده کند.

سیاست‌های عربستان در قبال روسیه، از منظر واقع‌گرایی نوکلاسیک، انعکاسی از فشارهای بین‌المللی و اهداف داخلی بود. از یک سو، نظم نوظهور جهانی و کاهش تعهدات ایالات متحده در منطقه، عربستان را به گسترش روابط با قدرت‌های فرامنطقه‌ای مانند روسیه سوق داد. از سوی دیگر، برنامه اصلاحات اقتصادی چشم‌انداز ۲۰۳۰ و تلاش برای کاهش وابستگی به نفت، عربستان را به استفاده از دیپلماسی انرژی به‌عنوان ابزاری برای تقویت روابط استراتژیک و اقتصادی با مسکو هدایت کرد. در مجموع، سیاست خارجی عربستان در دوران محمد بن سلمان در قبال روسیه مبتنی بر همکاری‌های عملی در حوزه انرژی، گفت‌وگوهای سیاسی-امنیتی و ایجاد فرصت‌هایی برای متنوع‌سازی شرکای بین‌المللی بود. این سیاست‌ها نه تنها نشانه تطبیق عربستان با واقعیت‌های منطقه‌ای و جهانی، بلکه ابزار مهمی برای حفظ جایگاه استراتژیک این کشور در خاورمیانه بودند.

منابع

- همیانی، مسعود، ۱۳۹۴، تغییر جهت در سیاست خارجی عربستان سعودی؛ از استراتژی موازنه تا رهبری ائتلاف، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۱، پیاپی ۱۱۳.
- تیموری روح اله، عبدالله زاده حسن و محمد آگاه؛ تقابل سیاست خارجی ایران و عربستان در بحران یمن با روش سازه‌انگارانه، دو فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، دوره ۵ شماره ۱۰.
- آقایی، سید داود، (۱۳۶۸). سیاست و حکومت در عربستان سعودی، تهران: نشر کتاب سیاسی.
- استوارت، رابرت، اینگرسول و دریک فریزر. (۱۳۹۲). قدرت‌های منطقه‌ای و نظم‌های امنیتی، ترجمه داوود آقایی و مجید محمد شریفی، چ اول، تهران: انتشارات دادگستر.
- عطایی، فرهاد و محمد منصوری مقدم. (۱۳۹۲). «تبارشناسی سیاست خارجی عربستان سعودی: راهبردی واقع‌گرایانه بر بستری هویتی»، فصلنامه روابط خارجی، سال پنجم، شماره اول، بهار ۱۳۹۲.
- هاوس، کارن الیوت. (۱۳۹۴). عربستان سعودی: مردم، گذشته، مذهب، فاصله طبقاتی و آینده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- مسعودنیا، حسین؛ فروزان، یونس و عالیشاهی، عبدالرضا (۱۳۹۶)، «جابه‌جایی قدرت در عربستان سعودی: تاثیرات تغییر ولایت‌عهدی برساختار سیاست خارجی عربستان سعودی»، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، سال ۸، شماره ۴۷.
- فروزان، یونس؛ عالیشاهی، عبدالرضا (۱۳۹۸)، «برساخت‌گرایی سیاسی در روابط عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران از پس‌بیداری اسلامی تا پس‌برجام»، فصلنامه آفاق امنیت، دوره ۱۲، شماره ۴۳.
- شهریاری، محمدعلی (۱۳۹۶)، «تحلیل روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان در عراق در قالب تئوری حرکت‌ها»، فصلنامه مجلس و راهبرد، دوره ۲۴، شماره ۹۲.
- Abbas, Khurram (2024) GCC-Israel Rapprochement Under Abraham Accords: Implications for Israel-Palestine Conflict. In Arab-Israel Normalisation of Ties: Global Perspectives (pp. 143-159). Singapore: Springer Nature Singapore. https://doi.org/10.1007/978-981-99-7769_8
- Al-Otaibi, N (2019) Public diplomacy and soft power: a case study of Saudi Arabia's image projection in the UK (Doctoral dissertation, University of East Anglia).
- Alyusufi, Rayan (2023) The Sacred Journey: Saudi Arabia Uncomeatable Soft Power and it's Burden, Centre on Public Diplomacy (CPD).
- Davand, Mohammad; Islami, Mohsen; Jamshidi, Mohammad Hossein (2019) Analysis of the ideological and political tensions of Saudi Arabia regarding the cultural strategy of the Islamic Republic of Iran in the Islamic world, *Majlis and Strategy Quarterly*, 26(3), 99-124, [in Persian].